

FUTURISM AND ROAD OF CHANGE IN IRAN

<http://www.ghandchi.com/442-tahavvol-plus.htm>



سام قندچی

آینده نگری و راه تحول ایران

دوازده سال پیش سؤال اینکه **ما چه میخوایم** را هنوز بسیاری از نیروهای سیاسی ایران مقابل خود قرار نداده بودند و اگر هم قرار میدادند پاسخ روشنی به آن نداشتند. امروز تقریباً همه نیروهای سیاسی ایران پلاتفرم دارند. در نتیجه درست است که هر جریان و گروهی هدف متفاوتی را برای آینده در نظر دارد ولیکن به جرئت میتوان گفت که برعکس سالهای پیش از انقلاب 57 که مخالفین رژیم درباره آینده پس از سقوط رژیم خیلی کم اندیشیده بودند، امروز بسیاری از نیروهای سیاسی ایران حتی پیش نویس قانون اساسی مورد علاقه خود برای ایران بعد از جمهوری اسلامی را نیز تدوین کرده اند و امیدوارند که بتوانند هر چه زودتر در فرآیند ملی برای انتخاب قانون اساسی مورد نظر خود رأی دهند.

حال که نیروهای سیاسی ایران اهدافشان برای آینده روشن است، سؤال این است که راه رسیدن به این اهداف چیست. اگر در پاسخ به اینکه ما چه میخوایم جوابهای زیادی طرح شدند که بالاخره در تعداد معینی از پلاتفرم های احزاب و گروههای سیاسی تبلور یافتند، در پاسخ به سؤال راه تحول نیز راه ها میتوانند بسیار زیاد باشند، و بستگی به اینکه چه راهی مورد نظر هر نیرو و شخصیت اجتماعی است، نوع معینی عمل خواهد کرد. هدف من در اینجا طرح راه های مورد نظر جریانات مختلف سیاسی ایران نیست. آنچه در اینجا مورد نظر من است راه تحولی است که بنظر من برای نیروهای سیاسی آینده نگر ایران درست بنظر میرسد.

اجازه دهید قبلاً خاطر نشان کنم که منظور من این نیست که مثلاً راه تحول مسلحانه یا مسالمت آمیز را در پیش روی نیروهای سیاسی ترسیم کنم. اگر راه ما این است که بایستی از جاده تبریز به تهران برویم بجای آنکه مثلاً از ترن و یا خطوط هوایی استفاده کنیم، در آنصورت سؤال بعدی این است که با تانک آن جاده را پیمائیم یا با اتوبوس. بسیاری از اوقات بحث مسالمت آمیز بودن بعنوان راه طرح میشود در صورتیکه مسالمت آمیز بودن مربوط به وسائل مورد استفاده در راه است و نه تبیین کننده خود راه. بنظر من اینکه ترجیح نیروهای سیاسی ایران امروز استفاده از وسائل مسالمت آمیز برای رسیدن به مرحله بعدی ایران است قابل تردید نیست و اینکه چنین ترجیحی عوض شود، هم به رژیم بستگی دارد و هم به اپوزیسیون، و در اینجا اصلاً موضوع بحث من این مطلب نیست. موضوع بحث من خود راه تحول در ایران است.

متأسفانه بسیاری از فعالین قدیمی و جوان ایران فکر میکنند راه تحول آینده ایران شبیه راهی است که خمینی و نیروهای اسلامی در انقلاب 57 از آن طریق به پیروزی رسیدند. آن نیروها با برآه انداختن تظاهرات و اعتصابات مداوم از طریق تجمعات درون مساجد به پیروزی رسیدند. در ایران تشکیلات مشابه سکولاری با چنین وسعتی وجود ندارد. دانشگاه ها و مدارس هم خیلی محدودند. دادن شعارهایی نظیر انتخابات آزاد محدود به تشکیلاتهای دانشجویی و بازار بعنوان راه تحول بوسیله جبهه ملی در همه سالهای حکومت شاه توان حتی ساقط کردن یک کابینه دولتی را نداشت. فقط در سالهای 1320 تا 1332 است که تشکیلاتهای صنفی وسیع حزب توده قدرت سازمانی سکولار را در جامعه ایران نشان داد و راه رسیدن به هدف از کانال این تشکیلاتها نیروی جدی تلقی میشد که به دلیل اشتباهات سیاسی و اشکالات ایدئولوژیک به جایی نرسید، ولیکن راه انتخاب شده موق ترین مورد برای نیروهای سکولار در ایران بوده است.

در نتیجه اینکه امروز عده ای از بهترین فعالین قدیمی یا جوان که در جنبش دانشجویی رشد یافته اند حتی متحد هم باشند نمیتواند جمعشان راه تحول آینده ایران محسوب شوند. البته اگر قرار باشد که از طریق یک دولت خارجی نیروی قدرتی برسد دیگر بستگی دارد به وابستگی شان به آن دولت و علاقه آن دولت به اینکه کدام از آنها را به سر کار آورد. وگرنه تا آنجا که به تحول از طریق نیروی مستقل داخلی مربوط است، اینگونه نیروها در خودشان و حتی بشکل متحدشان هم نمیتواند راه تحول آینده ایران تلقی شوند، گرچه صادق ترین و فداکارترین انسانهای این مرز و بوم باشند.

با اینکه بنظر من ایجاد حزب آینده نگر ایران [http://www.ghandchi.com/348-HezbeAyandehnegar.htm] از مهمترین نیاز های آینده ایران است، ولیکن تشکیل چنین جمع هائی و نام حزب بر آن نهادن دردی را دوا نمیکند و در چند ساله اخیر بسیاری از این جمع ها با نام های حزب های مختلف بوجود آمده اند و از بین رفته اند و اگر هم کماکان موجودند حتی باندازه یک گروه کوچک زنان نتوانسته اند در جامعه تأثیر بگذارند. واقعیت این است که بسیاری از آنها از نظر پلاتفرم بسیار پیشرو و مترقی هستند ولیکن تعیین هدف با تعیین راه رسیدن به هدف خیلی فرق دارد.

بنظر من راه تحول آینده ایران از طریق اتحادیه های صنفی و اجتماعی مختلف با نیازها و درخواست های مختلف است که به نقطه ای برسند که درخواست های سیاسی تحول ایران را طرح کنند. مثل تشکیلات همبستگی در لهستان. در واقع تحول در همه کشورهای کمونیست سابق این شانس را داشت که در همگی آنها تشکیلاتهای وسیع سکولار نظیر اتحادیه های کارگری و انجمن های صنفی وجود داشت. در ایران خوشبختانه زنان خیلی آگاه تر و زودتر از گروه بندی های اجتماعی دیگر به خود آمده و تشکیلاتهای مختلفی برای احقاق درخواست های خود ایجاد کرده اند آنها در جامعه ای که فعالیت اجتماعی برای زنان سخت ترین کار است. چرا گروه های اجتماعی دیگر چنین نکرده اند؟ بنظر من به این خاطر که همه امیدوار به راه میان بر و نتیجه سریع بوده اند.

در واقع تشکیلات سندیکای شرکت واحد یکی از اولین کوشش های جدی در این راه است. سوال این است که در عصر کنونی چگونه میتوان اتحادیه های صنفی بیشتر و بیشتری را شکل داد و انهم نه فقط از کارگران. بنظر من راه حل در اینترنت است.

اینترنت هم اکنون دیگر در دسترس یک گروه برگزیده نیست و از اشتراک 4 تا 6 میلیون نفر در ایران و حتی بیشتر صحبت میشود، که اگر هر فرد در یک خانواده با شعاع چهار نفر دیگر فرض شود این رقم بمعنی در بر گرفتن 20 میلیون نفر است. چنین فضائی بهترین عرصه برای ایجاد اتحادیه های صنفی است.

در واقع در غرب نیز تحول مشابهی شروع شده است و نه تنها در میان اصناف و گروه های اجتماعی قدیمی نظیر کارگران، بلکه حتی در میان خود حرفه های مربوط به کامپیوتر نظیر برنامه نویسی اتحادیه های اینترنتی در حال شکل گیری هستند. دیگر برای همه دست اندر کاران عصر اطلاعات روشن شده است که اکثریت آنان بیل گیتز مایکروسافت یا بنیان گذاران گوگل نخواهند بود و مسئلی نظیر بازنشستگی، بیمه، حقوق بیکاری و امثالهم برای خود و خانواده شان تعیین کننده است و خواهد بود. در مقاله ای درباره عدالت اجتماعی و انقلاب کامپیوتری [http://www.ghandchi.com/265-EconJustice.htm] وضعیت سیلیکان ولی آمریکا را بعد از بحران سالهای اخیر توضیح داده ام و وضعیت مشابهی در همه نقاط دیگر جهان از جمله ایران بوجود آمده یا خواهد آمد.

خلاصه آنکه شکل گیری تشکیلاتهای مختلف برای صنف ها و مشاغل و گروه های اجتماعی مختلف، نظیر سازمان های زنان در ایران، آنچیزی است که بنظر من راه تحول آینده ایران است و بدون چنین بنیانی هر حزب سکولار مجبور میشود که به نیروهای خارجی اتکاء کند و یا آنکه با بخشی از رژیم کنار بیاید، چرا که پایگاه داخلی نیرومندی ندارد. بنظر من آنچه در برابر افراد و جمع های آینده نگر قرار دارد کمک به شکل گیری این تشکیلاتهای برای احراز حقوق حرفه ای، صنفی، و اجتماعی با استفاده از اینترنت است.

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

22 اردیبهشت 1385

May 12, 2006

متن مقاله به زبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/442-tahavvolEng.htm>

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/index-Page10.html>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>